



درس خارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: امارات و ظنون
موضوع جزئی: ۳. اجماع منقول - مقتضای تحقیق در حجیت اجماع مدرکی - کلام محقق مصادف با: ۱۹ ذی القعدة ۱۴۴۵
نراقی - ۱. بر مبنای اجماع دخولی - ۲. بر مبنای اجماع تشریفی - ۳. بر مبنای اجماع لطفی
سال پانزدهم
جلسه: ۱۱۵

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

مقتضای تحقیق در حجیت اجماع مدرکی

بحث در حجیت اجماع مدرکی بود. ما برخی ادله قائلین به حجیت مطلقا و قائلین به عدم حجیت مطلقا را ذکر کردیم، لکن همانطور که اشاره کردیم مقتضای تحقیق این است که حجیت اجماع مدرکی را بر اساس مبانی مختلف در باب اجماع بررسی کنیم. بدون لحاظ این مبانی نمی توانیم یکسره ملتزم به حجیت یا عدم حجیت شویم. لذا باید یک یک این مبانی را در نظر بگیریم و آنگاه ببینیم بر اساس این مبانی اجماع مدرکی حجت است یا نیست. این شیوه و روش نیز در واقع روشی است که محقق نراقی دنبال کرده است.

کلام محقق نراقی

محقق نراقی فرموده اجماع مدرکی مطلقا حجت است و مبانی مختلف در باب حجیت اجماع تأثیری در حجیت اجماع مدرکی ندارد. ایشان سپس یک به یک اجماع مدرکی را بر مبنای اجماع دخولی، اجماع لطفی و اجماع حدسی بررسی کرده است. سه مبنا را مطرح کرده، چون در واقع اجماع حدسی خودش به شعبه های مختلف تقسیم می شود ولی به صورت کلی ایشان اجماع حدسی را در کنار اجماع لطفی و اجماع دخولی ذکر کرده و حجیت اجماع مدرکی را در قالب این سه مبنا بررسی کرده و گفته علی جمیع المبانی اجماع مدرکی حجت است. اجماع تشریفی را هم ذکر نکرده، برای اینکه اجماع تشریفی در حقیقت اجماع نیست، زیرا فرض این است که شخص خدمت امام عصر (عج) مشرف شده و حکم را از ایشان اخذ کرده است، منتهی برای اینکه ادعای رؤیت و تشریف نکند این را با لفظ اجماع بیان کرده است. لذا اجماع تشریفی در واقع اجماع نیست و اصلا اتفاقی در کار نیست.

ایشان می فرماید: وقتی اجماع دخولی محقق شود چون امام در ضمن مجمعی است قطعا این اجماع حجت است. اعم از اینکه مستندات و مدارک مجمعی معلوم باشد یا نباشد. اجماع لطفی نیز کذلک، ایشان می گوید بنابر مبنای اجماع لطفی، اجماع مدرکی هم حجت است، زیرا اگر مورد تأیید امام نبود باید به نوعی از آن منع می کرد. بر مبنای اجماع حدسی که متأخران عمدتا آن را قبول کرده اند، لذا ایشان معتقد است که اتفاق و اجماع بر اساس این مبنا کاشف از رأی معصوم است هرچند مدارک و مستندات آن معلوم باشد. این مطلبی است که محقق نراقی گفته و ما می توانیم آن را با یک شرح و بسط بیشتری بیان کنیم، چه اینکه مقتضای تحقیق نیز همین است.

بررسی حجیت بر مبانی مختلف

اکنون اجماع را یک به یک بر اساس مبانی مختلف بررسی می کنیم.

۱. بر مبنای اجماع دخولی

اجماع دخولی که نام دیگرش اجماع تضمنی است عبارت است از اینکه فقها کلاً یا فی الجمله و یک جمعی از آنها، بر حکمی نظر واحد داشته باشند و ما نیز یقین داشته باشیم امام(ع) در ضمن مجمعی است. طبیعتاً این اجماع کاشف از رأی معصوم است.

سید مرتضی قائل به اجماع دخولی است. ایشان می فرماید: اگر خبر واحدی موافق با نظر مجمعی باشد، نمی توانیم بگوییم اجماع مستند به آن خبر است زیرا خبر واحد حجت نیست، اما اگر یک خبر متواتر بر طبق فتوای مجمعی وجود داشته باشد و غیر از آن خبر متواتر هم دلیل دیگری نباشد می توانیم بگوییم آنچه مجمعی گفتند صرفاً به خاطر همین خبر متواتر بوده است^۱.

سید مرتضی به طور کلی خبر واحد را حجت نمی داند لذا می گوید اگر خبر واحدی مطابق با نظر مجمعی باشد این اجماع معتبر است، زیرا آن خبر حجیت ندارد، یک مستندی است که معلوم است و اعتبار ندارد، ولی اگر خبر متواتر در کار باشد و در کنار آن دلیل دیگری نباشد اینجا عمل مجمعی و فتوای آنها به خاطر همین روایت است یعنی دیگر اینجا اجماع اعتبار ندارد.

ظاهر این عبارت این است که اگر مجمعی بر یک فتوایی اجماع کنند، تارتا در کنار آن یک دلیل غیر معتبری مثل خبر واحد وجود دارد و اخیری کنارش یک دلیل معتبر. زیرا مستند اجماع مدرکی تارتا معتبر است و اخیری معتبر نیست، این دو حالت در همه اجماعات مدرکی قابل تصویر است. لذا اگر مستند و مدرک مجمعی معلوم باشد یا این مدرک معتبر است یا معتبر نیست. در کلام سید مرتضی به این دو حالت اشاره شده است، می گوید یا کنارش خبر واحد است یا خبر متواتر، خبر واحد که معتبر نیست و این لطمه ای به اجماع نمی زند، خبر متواتر هم با این که معتبر است ولی ملاک عمل خود خبر است نه اجماع. پس ظاهر عبارت سید مرتضی این است که اجماع دخولی در صورتی معتبر است که مدرک مجمعی معتبر نباشد، اما اگر یک مدرکی معتبر باشد اینجا دیگر کأنه اجماعی در کار نیست، بلکه ملاک عمل آن خبر و روایت متواتر است.

نتیجه این سخن این است که مدرک و مستند چنانچه ضعیف باشد، لطمه ای به اعتبار اجماع نمی زند، بر اساس مبنای اجماع دخولی، زیرا علم دارد که امام در ضمن مجمعی است.

پس اگر یک خبر واحد در کار باشد (چون ایشان خبر واحد را حجت نمی داند) نتیجه اش می شود یک دلیل غیر معتبر و لطمه ای به حجیت اجماع مدرکی نمی زند. دلیلش هم معلوم است زیرا علم دارد به وجود امام در ضمن مجمعی.

اما اگر یک خبر متواتری باشد آیا وجود دلیل و مدرک معتبر موجب لطمه به اجماع می شود یا خیر؟ فرض هم این است که اجماع دخولی است؛ الان یک جمعی فتوا دادند ما یقین به دخول امام نیز در ضمن اینها داریم و در عین حال یک روایتی معتبر هم وجود دارد، اینجا (با این شرط که غیر از این، دلیل دیگری هم نباشد)، اگر سید مرتضی می گوید ملاک عمل اینها آن خبر متواتر بوده یعنی کأنه می خواهد بگوید در صورت وجود دلیل معتبر اجماع دخولی تحقق پیدا نکرده. پس گویا به نظر ایشان وجود یک خبر متواتر ولاغیر، که بر آن فتوا دلالت می کند، مانع تحقق اجماع دخولی است.

من می خواهم عرض کنم لازمه این بیان این است که اگر فرضاً ما علم به دخول امام در ضمن مجمعی داشته باشیم اما در کنارش یک روایت متواتری هم بر مضمون آن حکم وجود داشته باشد، یعنی یک اجماع مدرکی با یک مدرک معتبر، باید بگوییم حجت است.

^۱ الذریعه، ج ۲، ص ۱۶۹.

پس نتیجه این می شود که طبق مبنای اجماع دخولی چه دلیل معتبری وجود داشته باشد و چه دلیل معتبری وجود نداشته باشد، یعنی دلیل غیر معتبر، فرض این است که دلیل وجود دارد ولی غیر معتبر است، چه دلیل معتبر باشد و چه دلیل غیر معتبر این اجماع حجت است. پس اجماع مدرکی بر مبنای اجماع دخولی علی ای حال حجت است.

لکن مشکله اساسی اجماع دخولی این است که در زمان غیبت، نادر التحقق یا معدوم التحقق است.

سوال:

استاد: ما می گوییم مدرک و مستند مجمعی برای ما معلوم است؛ ... اصلا به هر جهت، بالاخره وقتی شما می دانید که امام در ضمن مجمعی است آیا کشف از رأی امام می کنید یا خیر؟ ... به هر دلیلی، معتبر یا غیر معتبر؛ فرض این است که الان یک اجماعی تحقق پیدا کرده است و دلیلی هم کنارش هست و ما علم به دخول امام در ضمن مجمعی داریم، آیا این اجماع حجت است یا خیر؟ آیا وجود مدرکی که ما می دانیم استناد اجماع به آن است، مانع حجیت اجماع دخولی است؟

سوال:

استاد: عرض کردیم. یک وقت شما میخواهید بگویید این مانع تحقق اجماع است، از حیث صغری که یک بحث دیگری است. اگر اجماع دخولی باشد، و شما علم به دخول امام در ضمن مجمعی دارید، بود و نبود دلیل هیچ تأثیری ندارد.

سوال:

استاد: اصلا به هر جهت؛ امام در ضمن مجمعی مورد یقین شما هست یا نیست؟ وقتی همه این چهل نفر که پنج نفرشان ناشناس هستند و ما یقین داریم که امام یکی از این افراد است، یک فتوایی می دهند، (فرضا امام به خاطر این خبر متواتر که حالا این تصویرش نیاز به توضیح دارد که امام به خاطر یک خبر سکوت کند) نه، امام دیده این فتوا درست است، مخالفت نکرده و تأیید کرده ...

سوال:

استاد: عرض کردیم. ممکن است بگوییم نظر سید مرتضی این است که اگر اجماع در کنارش یک خبر متواتر باشد، اینجا دیگر ملاک خبر متواتر است. می تواند منظور این باشد که گویا وجود یک خبر متواتر کانه دیگر اجماع دخولی را سالبه به انتفاء موضوع می کند یعنی صغری اجماع دخولی محقق نمی شود، از این عبارت اینچنین استفاده می شود.

سوال:

استاد: نه؛ رضایت امام که می گوییم یعنی تعبدا موافقت امام را کشف کنیم با قطع نظر از این مدارک... معلوم نیست که اینها اقوال امام باشد، اینها یک مدارکی است، آیه و روایت، استظهار آقایان است، این روایت ممکن است سندش مشکل داشته باشد، ممکن است دلالتش مشکل داشته باشد، بالاخره معتبر است، حجت است، حجت بودن لزوما به این معنا نیست که مطابق با واقع باشد ... وقتی می خواهیم بگوییم اجماع مدرکی حجت است یا خیر باید دید بر طبق کدام مبنا شما می خواهید بگویید حجت است یا نیست. طبق مبنای اجماع دخولی علی ای حال حجت است.

۲. بر مبنای اجماع تشریفی

آیا اجماع مدرکی بنا بر مبنای اجماع تشریف حجت است یا خیر؟ یعنی یک فقیهی ادعای اجماع کرده و البته این اجماع کاشف از رأی معصوم است زیرا مدعی اجماع خدمت امام عصر مشرف شده و رأی معصوم را تلقی کرده است. حال این اجماع در کنارش ادله ای وجود دارد و این ادله هم یا معتبر است یا غیر معتبر.

در اجماع تشریف وجود یا عدم وجود دلیل اعم از معتبر و غیرمعتبر هیچ تأثیری در اعتبار و حجیت اجماع ندارد. زیرا همانطور که بیان شد این در واقع اجماع نیست، بلکه اخذ رأی معصوم به صورت تشریف است و معلوم است که موافقت امام اخذ شده منتهی قالب بیانش به صورت اجماع است، نمی توانسته بگوید من خدمت امام عصر مشرف شدم و امام این را فرمود، آمده با یک بیان و لسان دیگری گفته، گفته اجماعی بین امامیه است که حکم اینچنین است. پس بنا بر اجماع تشریف نیز وجود و عدم مدرک و مستند این اجماع، معلوم بودن یا محتمل بودن مستند این اجماع هیچ لطمه ای به حجیت اجماع نمی زند، کما هو واضح.

لکن این مشککش همان است که در مورد اجماع دخولی گفتیم که اساساً اجماع تشریفی اصل تحققش زیر سوال است به همان ادله ای که قبلاً گفتیم.

سوال:

استاد: در این دو مورد اینطور است، ثمره هر کدام بعداً معلوم می شود. در این مبانی این دو و اجماع لطفی اینگونه است ولی این مبانی در اجماع حدسی آن هم طبق چند تقریری که دارد اثرش معلوم می شود. بله در اجماع دخولی و اجماع تشریفی همانطور که الان شما فرمودید مدرکی بودن و غیر مدرکی بودن هیچ اثری ندارد، معلوم المدرکیه یا محتمل المدرکیه یا معدوم المدرکیه تأثیری در حجیت اجماع ندارد.

۳. بر مبنای اجماع لطفی

بنا بر اجماع لطفی اگر علمای عصر واحد متفق النظر شوند در یک حکم شرعی و این بر خلاف شرع و نظر امام باشد، قاعده لطفی اقتضا می کند که امام به نحوی از انحاء مانع این اتفاق شود و مخالفت خودش را به نوعی ابراز کند. یعنی جلوی شکل گیری این اجماع را بگیرد. این مقتضای قاعده لطف است. حال بیاییم ببینیم کسی که معتقد به اجماع لطفی است ولی مواجه شده با یک اجماعی که مدارک و مستنداتش معلوم است، آیا این اجماع حجت است یا خیر (از دید قائل به اجماع لطفی)؟

به نظر می رسد در اجماع لطفی نیز فرقی بین مدرکی بودن یا مدرکی نبودن اجماع نیست. زیرا مجمعی به هر حال به استناد این ادله و مدارک اتفاق نظر دارند، این ادله یا معتبر است یا معتبر نیست.

اگر دلیل معتبر باشد امام دیده همه یک نظر را داده اند ادله هم معتبر است، اگر به نوعی دخالت نکند و مخالفت خودش را به نوعی بروز ندهد معلوم می شود با این موافق است، زیرا اگر نظر او غیر از نظر مجمعی بود باید به نوعی آن را ابراز می کرد ولی چون سکوت کرده دلیل بر موافقت است.

اگر هم دلیل غیرمعتبر باشد یعنی مجمعی همه به استناد یک روایت غیر معتبر، یا یک استظهار نادرست از آیه بر یک حکمی اتفاق کردند، چنانچه امام معصوم با این نظر مخالف بود باید به حسب قاعده لطف به نوعی مخالفت خودش را ابراز می کرد و حیث اینکه مخالفت نکرده معلوم می شود که این نظر را تأیید کرده هرچند دلیلشان معتبر نباشد. برای امام مهم این است که این فتوا درست

باشد هر چند اجماع کنندگان همه بر پایه یک دلیل غیرمعتبر این فتوا را داده باشند، اینجا بر اساس قاعده لطف ضرورتی برای ابراز مخالفت نیست.

پس بنابر اجماع لطفی نیز مدرکی بودن اجماع لطمه ای به حجیت نمی زند. البته ممکن است به استناد برخی عبارات شیخ طوسی که در عده بیان کرده، بتوانیم یک اشکالی را اینجا مطرح کنیم که مثلاً شیخ طوسی که خودش مبدع اجماع لطفی است، یک تفصیلی در این مسئله داده ولی چون فرصت نیست دیگر به آن نمی پردازم.

علی ای حال فی الجمله تا اینجا معلوم شد بر اساس سه مبنا، اجماع دخولی، اجماع تشریفی و اجماع لطفی، (یعنی کسی که قائل به حجیت اجماع علی هذه المبانی الثلاثه) چنانچه اجماع مدرکی باشد یا محتمل المدرکیه، خللی به حجیت اجماع وارد نمی شود.

بحث جلسه آینده

بررسی مسئله بنابر اجماع حدسی باقیمانده، لکن اجماع حدسی که خودش چند شعبه دارد و ما باید حجیت اجماع مدرکی را بر اساس آن مبانی نیز بررسی کنیم.

«والحمد لله رب العالمین»